

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Arts & Music

هنر و موسیقی

بهرام رحمانی
۰۶ نومبر ۲۰۲۱

دنیا خانه من است

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید - ۲۰۲۱ - گوتنبرگ-سویدن

دوره پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید، از دوازدهم تا هجدهم نوامبر ۲۰۲۱ در شهر گوتنبرگ سویدن برگزار خواهد شد. جشنواره‌ای که هدف اصلی آن همبستگی جهانی سینماگران پیشرو و مترقی و عدالت‌جو است. در این دوره جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید، برنامه‌های مختلفی در پنج سینما و مرکز فرهنگی از سینماگران تبعیدی ۱۴ کشور، از ایران تا آفریقای جنوبی، از افغانستان تا فلسطین و رومانی (کردستان سوریه) و... نمایش داده خواهند شد. در این جشنواره، ۳۰ فیلم با تم‌های افغانستان، کرونا، مهاجرت و پناهندگی، امید و زندگی و... به نمایش درخواهد آمد. «دنیا خانه من است» شعار پایه‌ای این جشنواره است اما پس از دوران اخیر کرونائی شعار «هنوز امید» نیز به شعار قبلی آن افزوده شده است. توضیح مهینی درباره هنوز امید این است که یک تبعیدی هنوز هم امید دارد که به آینده‌ای بهتر برسد.

یکی از اقدامات این جشنواره تدارک یک برنامه ویژه با زنان افغانستان پس از جابه‌جائی قدرت در این کشور است. تغییر حاکمیت در افغانستان و به قدرت رسیدن مجدد گروه ارتجاعی طالبان سبب شد که برنامه پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید، در رابطه با افغانستان تغییر کند. اکنون در این جشنواره یک برنامه ویژه‌ای از مجموعه فیلم‌های زنان افغانستانی نمایش داده خواهد شد. نام این برنامه «زنان افغانستان می‌توانند - طالبان - تصویر زنان افغانستان در حال حاضر.» هدف این برنامه جلب همبستگی بیشتر با زنان افغانستان علیه طالبان است.



حسین مهینی مدیر جشنواره بین‌المللی سینما در تبعید است که بیش از سه دهه است جشنواره را با شور و شوق؛ با زحمات زیاد و مشکلات عدیده‌ای برگزار می‌کند. به این تلاش فرهنگ و هنری و اجتماعی حسین مهینی در حمایت از سینماگران تبعیدی و تلاش برای فراهم کردن زمینه‌های گسترده‌تر نمایش آثار آن‌ها، باید ارج نهاد و قدردانی کرد. تا آنجائی که از روش و منش و کاراکتر خود حسین مهینی و فعالیت‌هایش خبر دارم وی به هیچ‌وجه فرقه‌گرا نیست و به‌همین دلیل فیلم‌های انتخابیش با همکارانش برای نمایش در این جشنواره‌ها، کیفیت هنری سینمایی و جایگاه اجتماعی فیلم‌هاست.

جشنواره‌ای که در طول سال‌های طولانی برگزاری خود، تلاش کرده است که فضای آزادی و عادلانه‌ای باشد برای انعکاس آثار سینماگران تبعیدی، مهاجر و مترقی. سینماگرانی که با آثار خود و متکی بر هنر سینما، علیه نابرابری، تبعیض، اختناق، سانسور حاکمان مستبد و دیکتاتور و نابرابری‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی مبارزه می‌کنند و با نقد هرگونه تبعیض و نفرت جنسیتی، ملیتی، مذهبی، برای تحقق جهانی عاری از ستم و نابرابری و انسانی، گام‌های آگاهانه و سنجیده برمی‌دارند.

به گفته حسین مهینی «در ابتدا جشنواره محدود به ایرانی‌ها بود. اما از دوره دوم، در سال ۱۹۹۵، با تجربه‌ای که از جشنواره قبلی داشتیم به این نتیجه رسیدیم که ما بدون همبستگی با سینماگران ملیت‌های تحت ستم جهان نمی‌توانیم به تنهایی امر خودمان را پیش ببریم.»

این جشنواره هر دو سال یکبار برگزار می‌شود. اما گاهی در فواصل دوره‌های جشنواره، همین برنامه‌ها را در جشنواره‌های فرعی و محلی در خود سویدن یا در کشورهای دیگر باز به مرحله اجرا در می‌آیند و بخش‌هایی از این فیلم‌ها را به نمایش می‌گذارند.

اما این جشنواره از سال ۱۹۹۳ که فعالیت خودش را شروع کرده، به‌طور مرتب در شهر گوتنبرگ برگزار شده است. هر چند که امکانات محدودی در اختیار این جشنواره است اما مهینی تاکنون با همکاری داوطلبانه دوستانش این جشنواره را به‌خوبی مدیریت می‌کند.

یکی از ویژگی‌های مهم این جشنواره، این است که به کسی جایزه نمی‌دهد. در واقع به نظرم این تصمیم دست‌انداران این جشنواره، یکی از وجوه مثبت و تمایز این جشنواره با سایر جشنواره‌ها است. چرا که قضاوت در مورد کار هنری کار ساده‌ای نیست و بسیار مشکل است. بعد هم این جشنواره نمی‌خواهد تبعیض بین سینماگران تبعید قایل شود. اساساً این جشنواره، عرصه تبادل افکار و اندیشه‌های انسان‌دوستانه و آزادی‌خواهانه متفاوت از عرصه سینما است. اصولاً رقابت و مسابقه و جایزه اول و دوم و سوم، کار بازار و کالا برای خرید و فروش کالا است و به‌همین دلیل جایزه هم برایش می‌گذارند.

در واقع می‌توان گفت برگزاری جشنواره در تبعید، از نظر هنری، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بسیار مهم است. سینما و فیلم منشا شگفتی، تفریحی و مهم‌تر از همه امید به تغییر و به تصویر کشیدن جهانی بهتر است.

سینما هنر شاخص قرن بیستم است و بدون شک سینما یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی و هنری و اجتماعی پر قدرت در جهان در رنгарنگی فرهنگ‌ها به شمار می‌آید. ظهور سینما چندان هم قدیمی نیست و از آن به‌عنوان هنر هفتم یاد می‌کنند. در سال ۱۹۱۱، «ریچیوتو کانودو» (Ricciotto Canudo)، نویسنده، شاعر، نظریه‌پرداز سینما، موسیقی‌شناس و منتقد ادبی ایتالیایی، سینما را هنر هفتم نامید. کانودو سینما را ترکیبی از سه هنر زمانی و سه هنر مکانی می‌دانست. سه هنر مکانی شامل نقاشی، مجسمه‌سازی و رقص بودند و سه هنر زمانی را موسیقی، تئاتر و ادبیات تشکیل می‌دادند. به همین جهت کانودو سینما را به‌عنوان هنر مستقل در نظر نمی‌گرفت، بلکه آن را هنری

ترکیبی از شش هنر برشمرده در بالا تعریف می‌کرد. وی اولین کسی بود که برای سینما بیانیه نوشت و بیانیه او به نام «سینما، هنر نو، هنر هفتم» معروف شد. او نخستین نظریه‌پرداز سینمایی است که مجله‌ای سینمایی به نام «نشریه هنر هفتم» را منتشر کرد.

ورود سینما به ایران به دوران مشروطه برمی‌گردد. سینما با سرعت در ایران گسترش یافت. آزادی سینما در ارتباط با آزادی بیان معنی و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. می‌شود. آزادی سینما و چالش‌های حقوقی مربوط به آن همشیه یکی از کشمکش‌های حکومت‌ها در ایران و در کشورهای دیگر بوده است. به همین دلیل حکومت‌ها برای هنر سینما انواع قوانین و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها تدوین کرده‌اند.

همان‌طور که گفته شد سینما، به‌عنوان رسانه، از امکان ارائه فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به مخاطبان خود برخوردار است و آن‌ها را به اشکال گوناگون تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

در واقع سینما می‌تواند به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین و جذاب‌ترین رسانه‌های فرهنگی و هنری، نقشی مترقی و پیشرو در زمینه نگاه به جنسیت و مسائل زنان در جامعه داشته باشد.

پس از انقلاب ۱۳۵۷ به ویژه از سال ۱۳۶۲ با تسلط حکومت اسلامی و نهادها و طرفداران مذهبی آن بر تمام مراکز قدرت، ضوابط فیلم‌سازی باعث شد که بسیاری از فیلم‌ها بدون زنان ساخته شوند. اغلب آن‌ها فیلم‌ها نیز جنگی بودند. البته برخی زنان با جسارت تلاش کردند جایگاه خود را به حاکمیت و جامعه مردسالار و زن‌ستیز تحمیل کنند و در برابر موج زن‌ستیزانه حاکم بر قوانین تولیدات سینمایی ایران ایستادگی کنند.

همچنین سانسور و سرکوب و یا عدم دسترسی به سینما، سبب شده است که بسیاری از شهروندان ایرانی توجه زیادی به سینما نداشته باشند. طبق آمار انتشار یافته در سایت‌های داخل کشور، سینما تنها توانسته در سال‌های اخیر، بین ۴ الی ۵ درصد از جمعیت ۸۵ میلیونی کشور را به سوی خود جذب کند. البته ناگفته نماند که فیلم‌های موجود در ایران تنوع چندانی برای مخاطب سینما ندارد. در حالی که سینما نشانه رشد و توسعه، پیشرفت و ترقی در هر کشوری است. طبق آمار جهانی، برای هر ۱۰ هزار نفر از جمعیت یک کشور به یک سالن سینما نیاز است. در حالی که در جامعه ما، فقط یک سالن سینما برای هر ۲۶۰ تا ۳۰۰ هزار نفر وجود دارد. در ضمن، بیش از ۱۰۸۰ شهر فاقد سینما هستند. تنها ۶۰ تا ۷۰ شهر در ایران سالن سینما دارند. ۲۵ میلیون شهرنشین دسترسی به سینما ندارند که با احتساب روستاها این آمار به ۴۶ میلیون نفر می‌رسد. وزیر ارشاد و اسلامی گفته است که ۸۸ درصد مردم کشور به سینما نمی‌روند. متأسفانه شاخص سالانه سینما رفتن در ایران به‌طور متوسط ۳ درصد است یعنی به‌طور متوسط هر ایرانی هر ده سال فقط سه بار به سینما می‌رود.

در پایان بار دیگر از دست‌اندرکاران این جشنواره به‌ویژه حسین مهینی، به‌خاطر تلاش‌های بی‌وقفه آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویان و انسانی و پشت‌کاریشان در برگزاری جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید تشکر کنم و برایشان تندرستی و موفقیت آروز نمایم!

به‌نظرم جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید، یکی از ماندگارترین حرکت فرهنگی و هنری است که در تاریخ فرهنگ و هنر ایرانیان در تبعید خواهد ماند.

این جشنواره جایگاه قابل تحسین و احترامی در بین سینماگران متعهد و مردمی و تبعیدی از ملیت‌های مختلف و همچنین سینماگران سویدنی دارد.

پنجشنبه سیزدهم آبان [عقرب] ۱۴۰۰ - چهارم نومبر ۲۰۲۱

ضمیمه:

برنامه جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید به زبان سویدنی به مدیریت حسین مهینی

Den 15:e Exilfilmfestivalens program
[com/programhafte-2021.http://beta.exilefilmfestival](http://beta.exilefilmfestival.com/programhafte-2021)